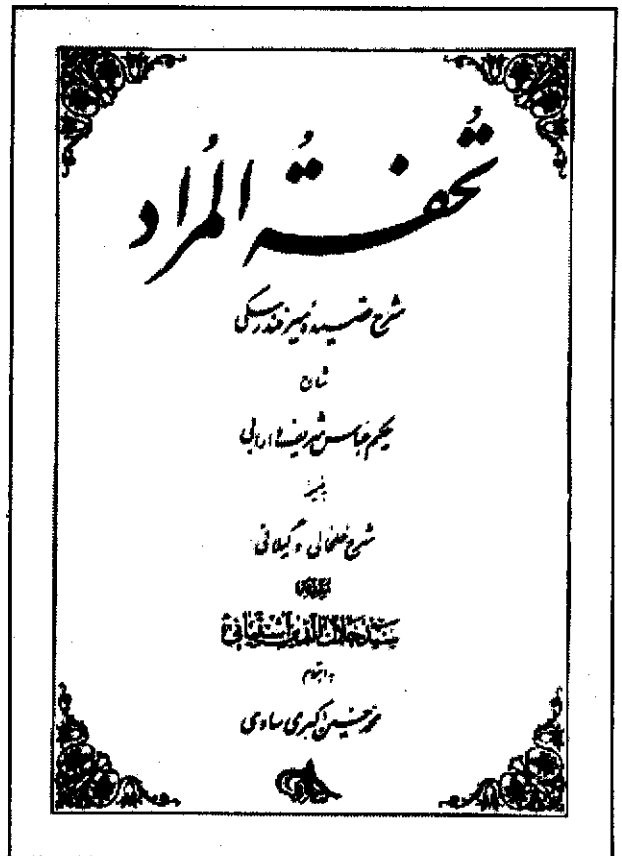


قصیده یائیه میرفندرسکی و شرحهای آن

محسن کدیور

حکمای اسلامی را می توان به سه گروه طبقه بندی کرد: گروه اول، حکمای صاحب مکتب و ارائه کنندگان مبانی جدید، یعنی فارابی، ابن سینا، شهاب الدین سهروردی و صدرالمآلهین. گروه دوم، حکمای مبتکر که اگرچه صاحب مبانی جدید نیستند، اما ابتکاراتی فلسفی از ایشان به یادگار مانده است. تقریری جدید، دلیلی تازه یا مسأله ای را به مجموعه علوم عقلی افزوده اند. میرداماد، محقق طوسی، قطب الدین شیرازی، دوانی و دشتکی از این زمره اند. گروه سوم، حکمایی هستند که نه صاحب مکتبند و نه تاریخ فلسفه ابتکاری از ایشان ضبط کرده است، اما در انتقال میراث فلسفی، تربیت شاگردان، حفظ و اشاعه و تشیید ارکان تفکر عقلانی سهمی بسزا داشته اند. این گروه از دو گروه پیشین فراوانترند.

حکیم ابوالقاسم موسوی میرفندرسکی^۱ (۹۷۰-۱۰۵۰) عالم پرآوازه قرن یازدهم، از مصادیق بارز گروه سوم حکمای ایران است. وی از بزرگترین علمای عصر صفوی، جامع معقول و منقول، دانشمندی وارسته و زاهد، استاد مسلم حکمت مشائی، صاحب ذوق عرفانی و اشراقی، آشنا با فلسفه و عرفان هند، مرد ریاضت و سفر و صاحب حوزه ای پر رونق و با برکت شمرده شده است. از محضر علامه چلبی بیک تبریزی (متخلص به فارق تبریزی) استفاده کرده و از میان شاگردان فراوانش، آقا حسین خوانساری، صاحب شرح الدروس؛ ملا محمد باقر سبزواری، صاحب کفایة الاحکام؛ ملا رجبعلی تبریزی و میرزا رفیعا نائینی قابل ذکرند. میرفندرسکی در روش فلسفی به ابن سینا اقتدا کرده است و با وجود تولد حکمت متعالیه، دست پروردگانش جملگی مشائی مسلکند و با شفای بوعلی مانوس. این روش فلسفی، با



تحفة المراد: شرح قصیده میرفندرسکی. شرح حکیم عباس شریف دارابی، به ضمیمه شرح خلخالی و کیلانی. با مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، به اهتمام محمد حسین اکبری ساوی. (تهران، الزهراء، ۱۳۷۲) ۲۹۱ ص.

۱. درباره میرفندرسکی بنگرید به: تذکره نصرآبادی، تهران، ۱۳۱۷، ص ۴-۱۵۳؛ طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۷۰؛ ریاض العارفين هدايت، تهران، ۱۳۱۶، ص ۸-۲۷۶؛ ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳-۲۳۱؛ آتشکده آذر، ص ۷۹۲-۷۹۷؛ روذات الجنات، ج ۲، ص ۶۸-۳۵۴؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۹۹؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۳؛ تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ج ۵، بخش اول، ص ۳۱۰-۳۱۳؛ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۶۹-۹۷؛ تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز تا امروز، حلبی، ص ۵۲۱-۵۲۳.

۴- جواب از سؤالات آقا مظفر حسین کاشانی در نفی تشکیک در ذاتیات. میر در این رساله مختصر فارسی، ذاتی را به شیوه مشائی مقول به تشکیک ندانسته است. این رساله همراه با توضیحات استاد آشتیانی در جلد اول منتخبات یاد شده، منتشر شده است.^۵

در الذریعه، «تحقیق المزله» و «تاریخ الصفویه» نیز از تألیفات وی ذکر شده است.^۶ اعیان الشیعه علاوه بر موارد یاد شده، رساله فی حقیقه الوجود بالفارسی، رساله فی المقولات العشر، رساله فی ارتباط الحادث بالقدیم و کتاب فی التفسیر را از آثار وی دانسته است.^۷

به هر حال مشهورترین اثر میرفندرسکی، قصیده یائیه اوست؛ تا آنجا که گاه او را به عنوان صاحب قصیده ذکر می کنند.^۸ این قصیده شامل ۴۱ بیت و حاوی نکات حکمی و عرفانی است. میر این قصیده را به استقبال از قصیده حکیمانه ناصر خسرو قبادیانی سروده است.^۹ مطلع قصیده ابومعین به این قرار است:

چیست این گنبد که گویی پر گهر دریاستی

یا هزاران شمع در پنگانی از میناستی

قصیده میرفندرسکی نیز این گونه آغاز می شود:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

صورت زیرین اگر با نردبان معرفت

بر رود بالا همان با اصل خود یکتاستی

«در این قصیده استعمال یاء در پایان بیتها گاه درست و گاه بیرون از قاعده دستور زبان فارسی است. مثلاً در بیت نخستین از قصیده، میرفندرسکی دستور فصیحای فارسی گوی را در این راه به کار نبست، ولیکن در بیت

الهام از مقامات العارفین اشارات و تنبیهات، مانع از گرایشهای عرفانی و ذوق اشراقی وی نیست. به هر حال آرای وی در مباحث نفی تشکیک در ذاتیات، نفی مثل نوریه، حرکت و علم، وی را حکیمی مشائی می نمایاند. آثار به جا مانده از میرفندرسکی بسیار اندک است و از این اندک جز اندکی منتشر نشده است. این آثار عبارتند از:

۱- رساله صنایعیه. این رساله مختصر به زبان فارسی در تحقیق حقیقت علوم و بیان وجوه اختلاف صنایع و تشویق به تحصیل علوم و صنایع و تحذیر از صنایع کم فائده و ذکر موضوعات جمیع علوم و صنایع و بیان اشرف آنهاست. این رساله همراه با اخلاق ناصری محقق طوسی در سال ۱۲۶۷ قمری در بمبئی هند و بار دیگر در سال ۱۳۱۷ شمسی در تهران چاپ شده است. ضمناً علی اکبر شهابی نیز در خراسان تصحیحی از این رساله ارائه داده که بی تاریخ است. گزیده ای از آن نیز توسط استاد سید جلال الدین آشتیانی در مجلد اول کتاب پراج منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا عصر حاضر ارائه شده است.^۲ (تهران، ۱۳۵۰ ش).

۲- مقوله الحركة والتحقیق فیها. در این رساله عربی و مختصر، مباحث حرکت به روش مشائی مورد بحث واقع شده و مثل افلاطونی مورد انکار قرار گرفته است. منتخباتی از این رساله همراه با توضیحات استاد آشتیانی در جلد اول منتخبات سابق الذکر منتشر شده است.^۳

۳- شرح کتاب مهابارة. این کتاب منتخبی است از کتاب جوگ باسشت Yoga - Vasishtha یا Jog - Basisht و شرحی فارسی بر آن. جوگ باسشت تفسیری است از عرفان هندی، نوشته آناناندان کشمیری، که توسط نظام الدین پانی پتی از سانسکریت به فارسی ترجمه شده. میرفندرسکی از این ترجمه منتخبی ترتیب داد و بر آن منتخب شرحی نگاشت که به شرح جوگ مشهور است.^۴ این رساله تاکنون منتشر نشده است.

۲. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۶۳-۸۰.

۳. همان، ص ۸۱-۹۰.

۴. تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ج ۵، بخش اول، ص ۳۱۱.

۵. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۹۰-۹۷.

۶. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵ و ۲۶۱.

۷. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۳.

۸. تاریخ حکما و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین، منوچهر صدوقی سها، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۹.

۹. دیوان ناصر خسرو، تصحیح سید نصرالله تقوی، تهران، ۱۳۳۹، ص ۴۳۹-۴۴۱.

دوم دانسته یا ندانسته قاعده را رعایت کرد. استعمال این یاء، بجز معنی استمرار و مداومت عمل، تنها در جمله‌های شرطی و رجایی و تشبیهی و جواب شرط مجاز است.^{۱۰}

لحن قصیده عرفانی و مشحون از مبنای حکمی است. مباحثی از الهیات بالمعنی الاخص، توحید عرفا، مسأله معاد، مسأله نفس و عقل در ضمن آن مطرح گشته و به تناسب به حکمت عملی و تذکرات اخلاقی نیز پرداخته شده است.

ره نیابد بر دری از آسمان دنیا پرست

ورنه بگشایند بر وی گرچه درها واستی

هر که فانی شد در او یابد حیات جاودان

ور به خود افتاد کارش بی شک از موتاستی

قصیده میرفندرسکی با مقام رضا پایان می‌پذیرد:

خواهش اندر جهان هر خواهشی رادری است

خواهشی یابد که بعد از وی نباشد خواهستی

قصیده یائیه به لحاظ ادبی، شعری متوسط است. به لحاظ عمق معانی حکمی و عرفانی نیز، ژرفای اشعار مولوی و حافظ را ندارد و با گلشن راز شبستری نیز هم‌وردی نمی‌تواند. اما با این همه از معانی ژرف و افکار عالی و ابیات نغز نیز بی‌بهره نیست.

عقل کشتی، آرزو گرداب و دانش بادبان
حق تعالی ساحل و عالم همه دریاستی
قصیده یائیه اگرچه در میان اشعار حکمی عرفانی در ردیف اول قرار ندارد، اما قابل اعتناست و نمونه قابل ارائه تفکر عقلانی قرن یازدهم و جلوه ادبی حوزه عقلی عصر صفوی است.

بر این قصیده حکمی-عرفانی سه شرح نگاشته شده است که به ترتیب نگارش عبارتند از:

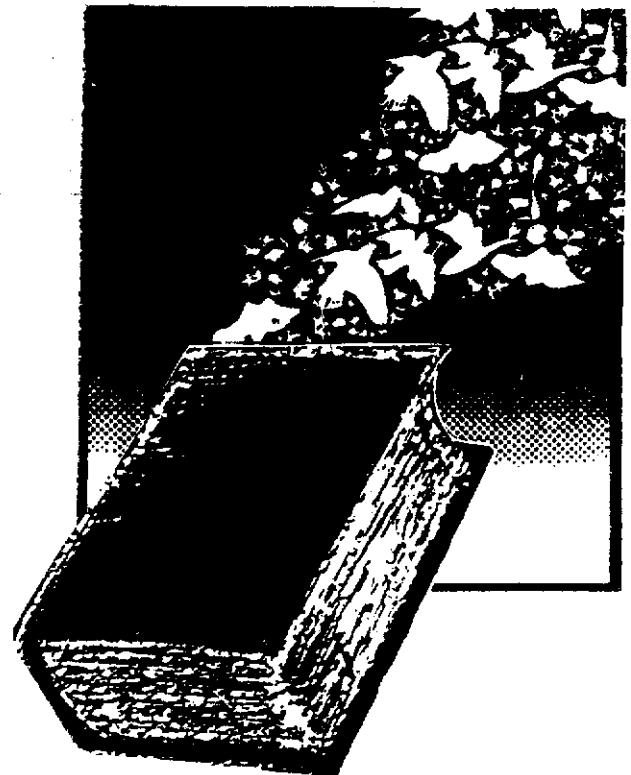
۱- شرح ملا محمد صالح خلخالی (۱۰۹۵-۱۱۷۵)
از شاگردان میرزای جلوه.

۲- شرح محسن بن محمد گیلانی (تألیف شده در ۱۲۰۷) شاگرد خلخالی یاد شده.

۳- شرح حکیم عباس دارابی (م ۱۳۰۰) از شاگردان حکیم ملا هادی سبزواری.

هر سه شرح به زبان فارسی است. شرح خلخالی به لحاظ مبنا به طریقه ناظم نزدیکتر است. شرح گیلانی، مختصرترین شروع و به لحاظ مبنا بیشتر به حکمت متعالیه متمایل است^{۱۱} تا به مشی میرفندرسکی. شرح حکیم دارابی به لحاظ حجم، مفصلترین شروع و به لحاظ عمق و دقت، قابل اعتناست. وی این قصیده را بر اساس تعالیم استادش حکیم سبزواری و بر مبنای حکمت متعالیه شرح کرده است. تسلط کامل حکیم دارابی بر ادبیات فارسی از استشهدای بجای وی به گلشن راز، مثنوی مولوی و دیوان حافظ و غیر آن هویدا می‌شود. استندهای فراوان وی به کلمات حکما و عرفا، بویژه صدر المتألهین، از امتیازهای این شرح است. او ابیات میرفندرسکی را پس از بیان مقدمات حکمی و عرفانی توضیح می‌دهد. این شرح به مناسبت اینکه کتاب از جانب شارح به رسم تحفه به حسام السلطنة سلطان مراد، والی فارس، تقدیم شده، تحفة المراد نام گرفته است.

صاحب اعیان الشیعه بی آنکه ذکری از دیگر شروع به بیان آورد، شرح خلخالی را احسن شروع قصیده دانسته است.^{۱۲} این ترجیح چه بسا به دلیل همسازگی مبنای



۱۰. تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، بخش ۱، ۳۱۲ حاشیه.

۱۱. مقدمه سید جلال الدین آشتیانی بر تحفة المراد.

۱۲. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۳.

شارح و ناظم باشد. هیچ یک از شارحین قصیده از حکمای طراز اول گروه سوم حکما به حساب نمی آیند. از سه شرح یاد شده، شرح خلخالی به گزارش الذریعه قبلاً در تهران چاپ شده است.^{۱۳} شرح دارابی نیز پیشتر با خط و تحشیه فضل الله لایق، در تهران منتشر شده است (۱۳۳۷ ش). اخیراً به همت آقای محمد حسین اکبری ساوی، قصیده مشهور میرفندرسکی همراه با سه شرح آن در تهران منتشر شده و به اعتبار اهمیت شرح دارابی این مجموعه تحفة المراد نام گرفته است. شروع خلخالی و گیلانی به عنوان ضمیمه شرح دارابی ارثه شده اند. آقای اکبری پیشتر رساله الطیر ابن سینا را همراه با دو شرح آن تصحیح و به علاقه مندان حکمت و عرفان عرضه کرده بود.^{۱۴} تصحیح و انتشار منقح متون فلسفی بشدت مورد نیاز جامعه علمی کشور است و بی شک اولین قدم در احیای تفکر عقلانی به شمار می آید. گرچه بسیاری از متون اصلی و مهم و حتی آموزش فلسفی هنوز به شکل مصحح و محقق عرضه نگشته اند، با این همه تصحیح قصیده میر و شروع آن اقدامی مغتنم است.

مصحح محترم، شروع را براساس نسخی که در مقدمه توصیف نموده، تصحیح کرده است. شیوه تصحیح گزینشی است و از اشاره به اختلاف نسخ امتناع شده است. شیوه تصحیح در سراسر کتاب یکدست نیست. در حاشیه شرح خلخالی و تا حدودی شرح گیلانی، به تغییر بعضی الفاظ اشاره شده است. در شرح گیلانی گاهی تصحیحات با رمز ظ (ظاهر) در متن و نه در پاورقی آورده شده است.

با توجه به اینکه کتاب مشحون از آیات، روایات، اشعار و اقوال حکما و عرفاست، غیر از استخراج آیات، تحقیقات دیگر موارد، چندان رضایت بخش نیست. مصادر بسیاری از روایات، اشعار و اقوال بدون تحقیق رها شده است. (به عنوان مثال بنگرید به صفحه ۵۶ و ۵۷). به علاوه بعضی مصادر تعیین شده نیز ناقص و بدون ذکر صفحه ارائه گشته است. (به عنوان مثال ر. ک: ص ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۷۶، ۸۲، ۸۳) بعضی از ارجاعات به منابع دست دوم و نیز متأخر از تألیف کتاب است. (به عنوان مثال صفحه ۱۰۵ به جای ارجاع حدیث به اصول کافی، به سفینه البحار ارجاع داده شده است.)

تحقیقات مصحح محترم در شرح دارابی و گیلانی در پانوشت صفحات و در شرح خلخالی در پایان شرح تحت عنوان ناصواب استدراکات آورده شده است. هر چند توضیحات مصحح به جای پاورقی در متن نیز ارائه گشته است (مثلاً صفحه ۲۱۹، ۲۰۷ و ۲۱۸). در مجموع کتاب حاضر از تصحیح و تحقیق یکنواخت و هماهنگ برخوردار نیست و محتاج ویرایش است.

کتاب مزین به مقدمه مختصر استاد سید جلال الدین آشتیانی است. مقدمه مصحح محترم کتاب حاوی شرح حال ناظم و شارحین کتاب و مشخصات نسخ شروح است. نثر مقدمه، نثری پرتکلف و به شیوه متون عصر قاجار نگاشته شده است. تحقیقاً نثر شارحین قصیده از نثر مصحح کتاب ساده تر و خوشخوانتر است. آنچه جایش در مقدمه بشدت خالی است، مقدمه ای تحلیلی و انتقادی بر قصیده یائیه است. مناسب بود مضمون هر بیت قصیده در چند سطر گزارش شود و فراتر از شرح حالنگاری، جایگاه علمی میرفندرسکی، جایگاه این قصیده در میان قصاید حکمی و عرفانی، ارزش ادبی قصیده، روش هر یک از شارحین و ویژگیهای هر یک از شروح بتفصیل مورد بررسی و نقد و ارزیابی قرار گیرد. غیر از فهرست مطالب، کتاب فاقد هرگونه فهرست فنی است. وجود فهرستهای آیات، روایات، اشعار، اعلام، کتب منابع و از همه مهمتر فهرست الفبایی موضوعات بسیار ضروری است و کارآیی کتاب را چند برابر می کند. اگر مصحح فاضل کتاب شیوه علمی تصحیح و تحقیق را به کار گیرد، قطعاً بازده کار او افزونتر خواهد بود. با این همه کار مصحح محترم را در انتشار متون اصیل فلسفی و عرفانی ارج می نهیم و امیدواریم بزودی شاهد انتشار دیگر پژوهشهای حکمی و عرفانی ایشان باشیم. ان شاء الله



۱۳. الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۵.

۱۴. رساله الطیر، ابن سینا، شارح عمر بن سهلان ساوی، به اهتمام محمد حسین اکبری، تهران، ۱۳۷۰، الزهراء.